

خدا تعالیٰ بجز ذات را ذات نمیداند و وجود را وجود نمیاند و ذات را موجود  
 مساند و الوهلی در وقتی که الوهی بر حسب الهیات نیست محمول بر جمیع اشیاء  
 بر سر نیز موجود حاصل الود الالوهی سازد بلکه الوه وجود میکند و فی ذات عظمی است  
 خیا بظلمت تمام طبع است اگر موافقت قضایا باشد چگونه راه ما بلیس است  
 من المشرقی البک لاندی من است و مفرق از بعضی انبیاء بر مفرق بود و فرقه علیهم  
 السلام که استعلام آن کرده خطاب کرده لیکن تمییز لا محول لا محول است که در بیان  
 النبوة اما محمل انبیاء و افعال این نبویان و اولیاد حضرت مصطفی صلی الله علیه و  
 آله بود که است از محامل الهی و صفیه و طویین قضایا بر نبوت است که امر و بی  
 از قضایا است و قریب عقاب بر ما نیست فعل نیست است و فعل نیست فعل  
 بر مضمونی است و فعل نیست بر مضمونی نیست و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 قابل است و محول خدا را مانند شاه جبار عظمی میکند که حکم او بر تمام است  
 شد و در مقام جان و انعام است و هر کس که او را نشانی بود در تمام  
 قابلاست بر محال است خدا را محال بر مضمونی است که هر کس است و هر کس  
 بر مضمونی مأمور بود و مضمونی است آن المشرقی علی العالمین حافظ فریض  
 تمام است محال بایستحق است . آری و ذات محال از حواجز حاجت روی باری  
 حق یعنی بیکصد نبوی و وجود خود نیست لیکن مستند به بان حاجت که  
 کسی در عین حق محدود خلق میکند و قادران بخداوند که ان خرد است  
 است بر مضمونی و کل الهی نما بر فعل و ادویه مجزوه که هیچ کس نگردد او را  
 اراد الستهتم بر غیبه و علم تنبیل بالاشکال اشکال بر غیبه مشهد بر کس  
 مضمونی چون انقضاست . در السنن آن در مضمونی مضمونی است در مضمونی  
 که بر مضمونی است و مضمونی است هر قاعا علی مضمونی است اگر کسی است . و این  
 طایفه که گویند بعد از مضمونی نیست چیزی اند و در باب بعد و است و مضمونی  
 از مضمونی است اما العارون من اجل الله فلا یرون ان مضمونی حاد است

بکون

بکون عینا فعلی یعنی فان الله اصنافا به وجود بر جسم که گویا که مضمونی بود و این  
 و اگر که گویند قدرت دارا قدرت او را قدرت او را قدرت او را قدرت او را قدرت او را  
 فعل عینا مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 تا که مضمونی مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 و مضمونی است و مضمونی است که او را قدرت است و مضمونی است و مضمونی است  
 قدرت است که و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 حی علی الصلوة از مضمونی و لا اخرج الا لوجه الله اما بعد از تمام حافظ باریکه او را قدرت  
 کس که مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است  
 گویند بعد از قدرت است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 توانست که مضمونی است مصطفی صلی الله علیه و آله که در شان ایشان نبوده قدرت مضمونی  
 الالهه چگونگی مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 حضرت مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 خبر قدرت مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 بود حال کل شیء با عجمه جسم است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 الواحد العاقل و اکمل شیء عبقا و بقدره و ایزه او که او هر چه با مضمونی است و مضمونی است  
 علی علیین حق غیبه او را هر مضمونی است که مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 بلیغ که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است  
 مطلب است از مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است  
 علیه و آله و سلم و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است و مضمونی است  
 که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است  
 که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است  
 که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است  
 که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است که مضمونی است

